

نمای درون

نویسنده

دکتر وین دایر

مترجم

ژیلا افضل

سرشناسه : دایروین دیلیو، ۱۹۴۰ م. - Dyer, Wayne w.
عنوان و نام پدیدآور : ندای درون نویسنده وین دایر، مترجم ژيلا افضل.

مشخصات نشر : تهران: سروش گستر، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری : ۲۲۸ ص.

شابک : 978-600-92324-1-3

وضعیت فهرست نویسی : فبیبا

یادداشت : عنوان اصلی: Inspiration your ultimate calling, c2006

یادداشت : کتاب حاضر نخستین بار تحت عنوان "بینش الهی-ندای نهایی" توسط انتشارات جويا در سال ۱۳۸۵ و در سالهای مختلف نیز تحت عناوین متفاوت منتشر شده است.

عنوان دیگر : بینش الهی، ندای درون.

موضوع : زندگی معنوی

موضوع : الهام - جنبه های مذهبی

موضوع : ابزار وجود - جنبه های مذهبی

شناسه افزوده : افضل، ژيلا، ۱۳۴۲ - مترجم

رده بندی کنگره : ۱۳۸۹: ۲۴۲/۵۲۴: ۲۴۲/۵۲۴

رده بندی دیویی : ۲۰۴/۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۲۶۲۷۵۹



ندای درون

صفحه آرا: مریم خاک نگین

ویراستار: ژيلا افضل

لیتوگرافی: برنا

ناشر: سروش گستر

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شابک: 978-600-92324-1-3

مرکز پخش: تهران-افسریه-۱۵ متری دوم اسلام آباد-پلاک ۹۶

تلفن تماس: ۳۳۸۴۹۹۵۳

۰۹۱۲۲۵۸۸۶۷۸

کلیه حقوق برای انتشارات سروش گستر محفوظ است

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹	بخش اول . وحی
۱۰	با پیروی از ندای درونی تان زندگی کنید
۲۲	زندگی شما قبل از تولد تا جسم خاکی
۳۴	چرا ما از الوهیت خود در تمامی لحظات دور می مانیم؟
۴۶	چگونه احساسی است رجعت به الوهیت
۶۱	راه خود را به سوی زندگی الهام بخش سوق دهید
۷۴	بخش دوم . اصول بصیرت
۷۵	قواعد اساسی برای یافتن مسیر زندگی الهام بخش
۷۷	الوهیت و عظمت شما
۹۸	الهام بخشی آسان است
۱۱۴	هیچ چیز قدرتمندتر از باوری نیست، که زمان به ثمر رسیدنش نزدیک است
۱۲۴	بخش سوم . بخشش و دریافت الهامات درونی
۱۲۵	الهام بخشی دیگران را درک کنیم
۱۳۷	الهام بخشی دیگران باشید
۱۴۹	فرا تر از انرژی الهامات درونی برویم
۱۶۳	بکارگیری الهامات در زندگی
۱۷۵	بخش چهارم . گفتگو با منبع شهودی خود
۱۷۶	منبع شهودی شما همان چیزی است که باید باشد
۱۸۵	منبع روحانی شما هوشیار است
۱۹۴	همه چیز پیرامون یادآوری است
۲۰۴	زبان الوهیت
۲۱۶	بخش پنجم . نگاه شخصی به ندای درون
۲۱۷	هنگامی که با الوهیت همراه، زندگی را چگونه می بینم

بزرگترین دانشی که انسان می‌تواند به آن دست یابد، دانش چگونه رسیدن
 نهایت، که همانا به صلح و آرامش است، برای پیوند اراده بشر با اراده‌ی بی
 اراده‌ی خداوند است.
 آلبرت شوایتزر

"جمله اجزای عالم در جهان

با تو می‌گویند پیدا و نهان

ما علیمیم و کلیمیم و مشیم

با شما نامحرمان ما خاموشیم

مولانا

"به من اجازه دهید که جلال و شکوه‌تان را به منصب ظهور درآورم، چرا
 که من قبل از بودن‌تان با شما بودم."

عیسی مسیح





سخن نویسنده

من عاشق راز و نیاز درونی‌ام، از این که با یگانگی مطلق گام بردارم به وجد می‌آیم و اطمینان دارم که تجربه یک زندگی همواره پر از سرشار از حضور خالق هستی برای شما نیز جذاب خواهد بود. این کتاب را براساس همین تفکر عظیم نوشته‌ام تا به شما نشان دهم که درباره‌ی این مفهوم سحرآمیز چه چیزی را آموخته‌ام.

نوشتن این کتاب تجربه‌ای مافوق تجارب قبل را برای من دربرداشت. چندین ماه هر روز قبل از سپیده‌دم ساعت ۳:۳۰ بامداد از خواب برمی‌خاستم، پس از این که دقایقی را با خداوند در خلوت خصوصی خود سپری می‌کردم، شروع به نوشتن می‌نمودم. تمام واژه‌های این کتاب همه، از جان و دل سرچشمه گرفته، چنان که قلم را به دستم می‌سپردم و بی‌پروا از دنیای نادیدنی ماوراء مطالبی را که به قلمم سرازیر می‌شدند، بر روی کاغذ منعکس می‌نمودم. اعتراف می‌کنم هیچ کدام از این لغات ناشی از ذهن من نیستند، بلکه از خدای بی‌همتااست..... بی‌شک من وسیله‌ای بوده‌ام تا این الفاظ، مجال مبدل شدن به کلامی دلنشین را پیدا کنند. من به این فرایند ایمان دارم چرا که دلیل اصلی نگارش این کتاب است، همچنین به اثربخشی آن در زندگی شما نیز معتقدم.

به جرأت می‌گویم که در طول ۳۵ سال تجربه‌ی نویسندگی این تنها کتاب من است که در آن از اسرار درونی من با شما بی‌پرده سخن می‌گویم. ترجیح دادم که از مثال‌های زندگی خودم استفاده کنم - مثال‌هایی که دست اول هستند و خودم تجربه‌شان کرده‌ام. بافت این کتاب متشکل از انتخاب‌های سنجیده می‌باشد. همچنان که پیش می‌رفتم نه تنها در مورد این موضوع ژرف، می‌نوشتم بلکه به مکاشفات درونی نیز می‌رسیدم؛ بنابراین نیاز بود تا آنچه را که احساس می‌کنم، به همان وضوحی که لمس کرده‌ام به شما انتقال دهم. درست مانند این است که هرگز تا خود انبه را نخوریم از تعاریف دیگران نمی‌توانیم طعم واقعی آن را حس کنیم؛ من هم نمی‌توانستم تنها با بازگو کردن تجارب دیگران در باب وحی بقدر کافی عجین بودم به این موضوع را برای شما آشکار کنم. برای نوشتن، قلم تنها منبع الهام من بوده است، این صفحات معطر از رایحه‌ی وحی می‌باشند.

به هر روی، اگر به دنبال پاسخی برای این سوال می‌باشید، که چرا اساس تصویرسازی این کتاب پروانه است، حتماً فصل آخر تحت عنوان "هنگامی که با الوهیت همراهیم؛ زندگی را چگونه می‌بینم" مطالعه نمایید؛ در حالی که این کتاب رو به پایان بود به طرزی خارق‌العاده



و پر رمز و راز با یکی از شکننده‌ترین مخلوقات پروردگار روبرو شدم، در فصل آخر به شرح این تجربه حیرت‌انگیز پرداخته‌ام، این امکان هست که زندگی شما با باور خودتان و خدای درونی‌تان به ناگاه دستخوش تغییری مقدس شود.

به این نکته کاملاً آگاهم که یک موضوع را بارها در طول این صفحات تکرار کرده‌ام، بنابراین تماماً به ویرایش آن‌ها نپرداخته‌ام؛ چراکه این کتاب به منزله‌ی وسیله‌ای است برای به سوخ دادن شما به سوی ملاقات با جان‌لایتناهی، که از جایگاه او در قلب‌تان کاملاً آگاه می‌باشید. این تکرارهای متعدد شامل، زندگی در حال، شما دارای بعد الهی می‌باشید و برای مقدس شدن باید تا حد زیادی شبیه به قالبی که از آن آمده‌اید بشوید، می‌باشد. در حقیقت باید چنان زندگی کنیم که هر روز، هرچه بیشتر خداگونه شویم.

یکی از آموزگارانی روشن‌گرو داستان سرایان مورد علاقه من آنتونی دوملو^۱ است، او به خوبی می‌تواند پیچیده‌ترین مطالب فلسفی را به ساده‌ترین و قابل درک‌ترین آموزه‌ها با استفاده از هنر قصه‌گویی تبدیل کند. در اینجا داستانی را تحت عنوان "قلب یک فرد روشن ضمیر" از پدر دوملو آورده‌ام، او در این داستان به خوبی آنچه را که مدنظر من برای انتقال مفهوم زندگی با جان‌لایتناهی بوده است به تصویر می‌کشد:

مریدی در برابر مرادش زانو زد تا قدم در راه معرفت گذارد. مراد ماترایی مقدسی در گوش او خواند و تأکید کرد که آن را جایی فاش نکند.

مرید پرسید: "چه اتفاقی خواهد افتاد اگر چنین شود؟"

مراد گفت: "هر آنکس که این ماترا بر او فاش شود از اسارت چهل و نادانی‌رهایی می‌یابد؛ اما تو از پیمودن راه معنوی محروم خواهی ماند.

به محض این‌که مرید ماترا را شنید به بازار رفت بر جمعی ماترا را با صدایی بلند خواند.

دیگر مریبان گزارش را به مراد دادند و خواستار اخراج وی به دلیل نافرمانیش شدند.

مراد لیخندی زد و گفت: "پیداست که او نیاز به هیچ آموزشی ندارد. عمل او نشان از آن است که وی به راستی خود یک معلم معنوی است."

^۱ - Anthony de Mello



قول می‌دهم چنان که در این کتاب غوطه‌ور شوید، معنای این داستان بیشتر و بیشتر روشن شود. شما دارای یک انرژی عظیم الهی درون خود هستید که در همین لحظه نیز در زندگی شما مشغول به کار است؛ در غیر این صورت اکنون مشغول خواندن این سطور نبودید. مصرانه از شما می‌خواهم که به آن توجه داشته باشید، تا موهبت ناب و خالصش، که شما را برای آن زندگی روحانی انتظار می‌کشد، دریافت نمایید.

www.ketab.ir



سخن مترجم

همیشه مشتاق بودم دست به ترجمه‌ی کتابی بزنم که آن کتاب، خودم را عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد و جانانه منقلبم کند.

تا این که با الطاف پروردگار چنین کتابی در مسیر اندیشه‌ام قرار گرفت و چنان مجذوب شدم و بی‌خود از خویشتن خویش، که دلم می‌خواست سطر به سطر یا خواندن نسخه‌ی اصلی همزمان ترجمه آن را نیز شروع کنم و همین کار را هم کردم و نتیجه‌اش کتابی است که هم‌اکنون در دست‌های نازنین شما است.

آثار زیادی از وین دایر این اندیشمند بزرگ به فارسی برگردانده شده است و هر کدام رنگ و بوی خاص خود را دارند اما در این کتاب وین دایر مست از نام حق به صحنه عشق آمده است و آشکارا سخن حق و حقیقت به زبان جاری می‌کند.

در این وادی همه به دنبال گم کرده‌ای هستیم که همه جا با ماست و از او هستیم و قرن‌هاست که خود نمی‌دانیم و آنان که انگشت‌شمار بودند و کمی دانستند چنان بی‌قرار و شیدا سربرآوردند که دست از جان شسته، یکپارچه به خدمت خلق نشستند و هر ذره برایشان مضرب‌ای شد که بوسیله آن جان خواب‌زدگانی را به ارتعاش در آوردند همچون پیامبران الهی وقتی همه چیز اوست و همه جا اوست، آن زمان که هر طرف بنگری خداست که تو را می‌خواند، اگر در مقابل این همه شواهد و این همه روشنایی با عینک تنگ‌نظری عمر بگذرانیم مسلماً جان باختگانی متحرک هستیم. نام خالق هستی که وین دایر در این کتاب بکرات به خواننده گوشزد می‌کند بی‌شک زیباترین سخنی است که وین دایر در این کتاب سعی بر آن دارد آن را چون لباسی مقدس بر تن مشتاقان بیوشاند، باشد که در گرمای رخوت‌انگیز آن به آرامشی جاودانه دست یابند.

زیلا افضل